

عاقله، ضامن جریره و بیمه جنایات خطای محض

به مثابه منابع جبران خسارت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۷

عبدالعلی توجهی*

امیر اعتمادی**

چکیده

جنایات خطایی آن دسته از جنایات می‌باشند که هر یک از افراد جامعه ممکن است با آن‌ها مواجه گردند. به همین خاطر، از دیرباز، به هنگام وقوع جنایت خطایی از سوی یکی از اعضای جامعه، سایرین به یاری او می‌شتافتند؛ از جمله شیوه‌های کمک‌رسانی افراد به یکدیگر، نهادهای عاقله و ضامن جریره بوده‌اند که به‌جای مرتکب خطاکار، خون‌بها یا دیه ناشی از فعل او را می‌پرداختند. نهادهای یادشده که در فقه امامیه نیز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، حسب مورد به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، راه یافته، و در موارد معینی، پرداخت دیه را عهده‌دار هستند. با این حال، در عمل کمتر موردی پیش می‌آید که دیه ناشی از جنایت خطایی را پرداخت کنند؛ عاقله عذر عدم توانایی مالی را مطرح می‌کند و عقد ضمان جریره نیز منعقد نمی‌شود تا خسارت‌زدایی کند. با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد نهادهای یادشده، کارایی زمان خود را از دست داده‌اند و می‌توان در کنار آن‌ها از تأسیسی نو با عنوان «بیمه جنایات خطای محض» استفاده کرد.

واژگان کلیدی

جنایت خطایی، دیه، عاقله، ضامن جریره، بیمه جنایات خطای محض

* استادیار گروه حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه شاهد

** دانشجوی دکتری حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری (نویسنده مسئول)

مقدمه

از روزگاران گذشته، واکنش جوامع نسبت به رفتارهای مجرمانه غیر عمدی به شکلی ملایم‌تر جلوه می‌کرد، به نحوی که این واکنش در بسیاری از موارد در قالب پرداخت غرامت بود. زندگی قومی و قبیله‌ای که افراد برای خود برگزیده بودند، باعث می‌شد که آنان نوعی احساس مسئولیت نسبت به اعمال و رفتار دیگر اعضای خانواده، داشته باشند؛ به طوری که سعی می‌کردند بر اعمال یکدیگر نظارت داشته باشند، و به هنگام وقوع جنایتی خطایی به یاری یکدیگر بشتابند. این احساس همیاری با دیگر اعضای خانواده با توجه به روایات موجود (که به مناسب در بحث‌های بعدی نقل می‌شوند)، در زمان حیات بزرگان دین اسلام از جمله امامان معصوم (ع) نیز وجود داشت. در واقع، در آن زمان افراد با توجه نوع روابط اجتماعی، زندگی آن زمان، احتمال وقوع رفتارهای خطایی از سوی هر یک از اعضای جامعه، و بر اساس نیازهای خود با پذیرش نهادهای به اصطلاح عاقله و ضامن جریره به هم نوعان خود یاری می‌رساندند.

نهادهای اشاره شده که با برخی از عقود امروزی نیز شباهت‌هایی دارد، در اغلب کتب فقهای امامیه مورد بحث قرار گرفته‌اند (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، صص ۵۴۰-۵۶۴). بر این اساس، قانون‌گذار که سعی در تطبیق قوانین با موازین شرع داشته، نهاد عاقله را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته است، ضمن اینکه نهاد ضامن جریره نیز در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته بود. با این حال، عملاً کمتر پیش می‌آید که نهادهای یاد شده به یاری مرتکب خطاکار بشتابند، و از بزه دیده خسارت‌زدایی کنند؛ چراکه از یک طرف، عقد ضامن جریره منعقد نمی‌شود، و از طرف دیگر، عاقله به طرّقی مانند طرح کردن عذر ناتوانی مالی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند.

با توجه به مطالب اشاره شده، سؤالات مورد نظر این پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

آیا می‌توان عقد بیمه‌ای با عنوان «بیمه جنایات خطای محض» را در کنار نهادهای عاقله و ضامن جریره پذیرفت؟ وجوه اشتراک نهادهای عاقله و ضامن جریره با عقود پذیرفته شده امروزی چیست؟ موارد مسئولیت این دو تأسیس کدام‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح‌شده، لازم است هر دو تأسیس مورد بحث، از لحاظ حقوقی تحلیل شده، قلمرو مسئولیت آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد، و نهایتاً به این امر پرداخته شود که عقد بیمه مذکور دارای چه کارایی‌ای می‌باشد، و به چه نحو می‌تواند در کنار نهادهای فوق‌الذکر، کارایی خود را نمایان سازد.

۱. تبیین مفاهیم، پیشینه و تحلیل حقوقی عاقله و ضامن جریره

در این بند، نخست به شرح مفاهیم کلیدی و بررسی پیشینه قوانین کیفری مربوط پرداخته می‌شود، سپس، نهادهای عاقله و ضامن جریره از لحاظ حقوقی تحلیل می‌شوند تا اینکه وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها با عقود پذیرفته‌شده امروزی روشن شود.

۱-۱. تبیین مفاهیم

مفاهیمی که لازم است مورد تبیین قرار گیرند، عبارت‌اند از: جنایت خطایی؛ عاقله؛ ضامن جریره و بیمه جنایات خطای محض.

۱-۱-۱. جنایت خطایی

جنایت از ریشه «جنى» به معنای چیدن میوه از درخت می‌باشد^۱ (الجوهري الفارابی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۴۰) و به معنای کار خلاف یا ناشایست، گناه، جرم و بدترین نوع جرم یا جرمی بزرگ از قبیل قتل که معمولاً درباره مرتکب آن، شدیدترین مجازات (مانند اعدام) را اعمال می‌کنند، آمده است (انوری و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۷۵۶؛ طبیبیان، ۱۳۸۶، ص ۷۶۹). در اصطلاح فقهی و حقوقی، جنایت خطایی عبارت است از جنایتی که مرتکب آن قصد نتیجه نداشته و فعلی را که انجام داده نوعاً کشته نباشد؛ همچنین، مرتکب جنایت خطایی قصد فعل واقع‌شده بر مجنی‌علیه را هم ندارد؛ مانند اینکه شخصی به قصد شکار پرنده‌ای تیری رها کند و به انسانی اصابت کرده و او را بکشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۱۸؛ المحقق الحلّی، ۱۳۸۸ش، القسم الرابع، ص ۴۸۷؛ و بند «پ» ماده ۲۹۲ «ق.م.ا» ۱۳۹۲).

۱-۱-۲. عاقله

عاقله از ریشه «عقل» به معنای دیه مقتول را پذیرفتن، از قصاص صرف نظر کردن و به جای کسی دیه دادن، واژه‌ای عربی است که در معنای سرپرست و مسئول در میان جمعی، نیروی عقل و خویشان ذکور قاتل سفیه یا نابالغ که دیه بر عهده آنان می‌باشد، آمده است (قیم، ۱۳۸۴، صص ۷۰۷ و ۷۳۴؛ طبیبیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱۳). در اصطلاح فقهی، مشهور فقها امامیه، عاقله را مترادف با «عصبه» می‌دانند، و از عصبه به معنای خویشاوندان ذکور پدری و نیز پدری و مادری یاد کرده‌اند (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، صص ۵۴۰-۵۴۱؛ النجفی، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۴۳؛ المحقق الحلی، ۱۳۸۸ش، القسم الرابع، ص ۵۲۹). پدران هر چه قدر بالاتر روند و پسران هر چه که پایین تر روند هم داخل در مفهوم عصبه (عاقله) می‌باشند (الموسوی الخمینی، بی تا، ص ۴۳۳؛ الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۲)، اما زنان، افراد صغیر و مجنون جزء عاقله محسوب نمی‌شوند (المحقق الحلی، ۱۳۸۸ش، القسم الرابع، ص ۵۳۰؛ ماده ۶۸ «ق.م.ا» ۱۳۹۲).

۱-۱-۳. ضامن جریره

در فقه امامیه، ضامن جریره را با لحاظ شرایطی عاقله جانی خطاکار می‌دانند. به عبارت دیگر، از نظر فقهای امامیه، در صورتی که مرتکب خطاکار، دارای خویشان ذکور پدری نباشد (عاقله به معنای اخص)، ضامن جریره دیه جنایت خطایی وی را عهده‌دار خواهد بود (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۶؛ النجفی، ۱۳۸۴ش، ج ۳، صص ۴۱۳، ۴۳۲-۴۳۳).

بنابراین، لازم است مفهوم واژه‌های «جریره» و «ضمان» مورد تبیین قرار گیرند. در اینجا، به شرح واژه نخست پرداخته و توضیح واژه ضمان را در تحلیل عقد ضمان جریره می‌آوریم. جریره در برگردان به زبان فارسی، به معنای گناه، جرم، بزه و خطا آمده است (قیم، ۱۳۸۴، ص ۳۶۳)، و در اصطلاح فقهی، به همراه واژه ضامن، به فردی اطلاق می‌گردد که به وسیله عقد ضمانتی، پرداخت دیه جنایات خطایی مضمون را بر عهده می‌گیرد و در عوض، یگانه وارث او می‌گردد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت بین ارث بردن و پرداخت دیه جنایت خطایی ملازمه وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸۳).

۱-۱-۴. بیمه جنایات خطای محض

بیمه جنایات خطای محض نوعی از عقد بیمه است که در این پژوهش به عنوان تأسیسی جهت برطرف ساختن کاستی‌های عاقله و ضامن جریره پیشنهاد شده است؛ ضمن اینکه با شرایط جامعه امروزی نیز تطابق بیشتری دارد. در تعریف این عقد می‌توان گفت:

بیمه جنایات خطای محض نوعی عقد بیمه است که به موجب آن، بیمه‌گذار مسئولیت خاص ناشی از وقوع جنایت خطای محض را به بیمه‌گر منتقل کرده و در ازای آن حق بیمه می‌پردازد؛

طبق تعریف فوق، بیمه‌گذار که همان مرتکب خطا کار می‌باشد (به صورت بالقوه و بعضاً بالفعل) قبل از تحقق جنایتی خطایی (و در مواردی بعد از آن)، مسئولیت ناشی از وقوع این نوع جنایت را که به صورت اصلی و اولیه در قالب پرداخت دیه جلوه می‌کند (ماده ۱۷ و ۴۴۸ «ق.م.ا» ۱۳۹۲) به بیمه‌گر منتقل می‌کند و در ازای تعهد بیمه‌گر مبنی بر پرداخت دیه در موارد لزوم، به او حق بیمه می‌پردازد. البته، باید متذکر این مطلب شد که جبران خسارت ناشی از وقوع جنایت خطایی نیز در مفهوم عبارت «مسئولیت خاص» ناشی از وقوع جنایت خطای محض» جای می‌گیرد. همچنین، همان‌طور که از اطلاق عبارت یادشده برمی‌آید، بیمه موضوع بحث، اختصاص به دسته خاصی از جنایات خطایی مانند جرائم ناشی از تخلفات رانندگی (که دارای ماهیت خطای محض هستند) ندارد، و تمامی انواع جنایات مزبور را دربر می‌گیرد؛ مانند غلتیدن شخصی در حال خواب و تحقق جنایت خطایی در نتیجه آن (بند «الف» ماده ۲۹۲ «ق.م.ا» ۱۳۹۲).

۱-۲. پیشینه تقنینی

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی آن، اشاره‌ای به نهادهای عاقله و ضامن جریره نشده بود. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نهاد «عاقله» ابتدا در «قانون حدود و قصاص و مقررات آن» ۱۳۶۱ مورد اشاره مقنن قرار گرفت. ماده ۱۷ این قانون، مسئولیت عاقله مبنی بر پرداخت دیه را در رابطه با ارتکاب جنایت عمدی از سوی دیوانه یا نابالغ پذیرفت. در همین سال، قانون‌گذار با تصویب «قانون دیات»

مصادیق دیگری از مسئولیت عاقله را در قالب مواد قانونی مشخص کرد. مواد یادشده عبارت‌اند از:

۱. ماده ۹ در رابطه با مسئولیت عاقله در خطا محض؛ ۲. ماده ۱۱ و تبصره آن در رابطه با دیه جراحات موضحه و دیه جراحات‌های عمیق‌تر و نیز جنایت عمدی و شبه‌عمدی نابالغ و دیوانه که بر عهده عاقله قرار می‌گرفت؛ ۳. ماده ۲۹ در رابطه با جنایت در حال خواب و پرداخت دیه از سوی عاقله؛ ۴. ماده ۳۰ درباره حمل شیء به‌نحوی که موجب جنایت خطایی گردد، که در این صورت دیه بر عهده عاقله قرار می‌گرفت؛ ۵ و ۶. ماده ۳۸ و ۳۹ در رابطه با برخورد دو نفر باهم و کشته شدن یکی از آن‌ها یا هر دو، و پرداخت دیه خطای محض از سوی عاقله؛ ۷. ماده ۴۱ در مورد برخورد دو وسیله نقلیه که موجب کشته شدن سرنشینان شده و در صورت خطای محض بودن، پرداخت دیه بر عهده عاقله می‌بود.

بنابراین، روشن می‌شود که تا این تاریخ، تأسیس «ضامن جریره» در قانون مجازات کشور جایگاهی نداشت، اما قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هم عاقله و هم ضامن جریره را در قانون جای داد. موادی از این قانون که به تأسیسات مذکور پرداخته‌اند، در زیر اشاره می‌شوند:

۱. ماده ۲۶۰ در مورد فرار مرتکب قتل عمد و عدم دسترسی به وی تا هنگام مرگ؛
۲. ماده ۳۱۳ در رابطه با فرار جانی در جنایات عمد و شبه‌عمد؛
۳. ماده ۲۲۱ درباره جنایت عمدی دیوانه و نابالغ؛
۴. ماده ۳۰۵ در مورد قتل خطای محض که با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود؛
- ۵ و ۶. ماده ۳۰۶ درباره پرداخت دیه قتل خطای محض و همچنین دیه جراحات موضحه و جنایات‌های خطایی زیادتر از آن از سوی عاقله؛ و تبصره این ماده در رابطه با جنایت عمد و شبه‌عمد نابالغ و دیوانه؛
۷. تبصره ماده ۳۰۷ در خصوص کسی که با عقد ضامن جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته باشد؛
۸. ماده ۳۰۹ در مورد اثبات قتل خطایی با گواهی شهود عادل و پرداخت دیه از سوی عاقله؛

۹. ماده ۳۲۳ در رابطه با کسی که در حال خواب بر اثر حرکت و غلتیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود؛

۱۰. ماده ۳۲۴ درباره حمل چیزی همراه با خود یا با وسیله نقلیه و برخورد با دیگری و به صورت خطایی موجب جنایت بر او شدن؛

۱۱. ماده ۳۳۷ در رابطه با برخورد دو وسیله نقلیه با یکدیگر که موجب کشته سرنشینان گردد؛ در این مورد، در صورت خطای محض بودن، پرداخت دیه بر عهده عاقله خواهد بود.

تغییرات رویکرد قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ادامه بررسی می‌شوند. در اینجا، به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که در این قانون به ضامن جریره اشاره‌ای نشده است.

۱-۳. تحلیل حقوقی عاقله و ضامن جریره

عاقله و ضامن جریره با برخی از نهادهای امروزی وجوه افتراق و اشتراکی دارند که جهت روشن شدن ماهیت آنها تحلیل حقوقی هر یک ضروری است.

۱-۳-۱. تحلیل حقوقی عاقله

صرف نظر از این موضوع که تحمیل مسئولیت ناشی از جنایت دیگری بر عاقله، با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مغایرت دارد یا خیر، و این موضوع که دیه مجازات محسوب می‌شود یا خیر؟ باید دانست که پرداخت دیه توسط عاقله امری استثنایی است؛ بدین معنا که اصل بر آن است که هر کس مسئول اعمال خویش می‌باشد، اما در موارد معینی، به صورت استثنایی، عاقله مسئول پرداخت دیه قلمداد شده است. یکی از حقوقدانان در رابطه با مسئولیت عاقله می‌نویسد:

«پرداخت دیه توسط عاقله در راستای سهل‌گیری بر قاتل خطایی و تضمین نوعی تکافل و تعاون اجتماعی و بیمه خانوادگی است؛ جهت حصول اطمینان از اینکه کسانی که به طور بالقوه از دیگری، مثلاً با ارث بردن، منتفع

می‌شوند، در هنگام مسئولیت ناشی از خطاکاری وی نیز به یاری‌اش بشتابند»
(میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹)؛

مطابق این دیدگاه، اشخاصی که عاقله محسوب می‌شوند، همان‌طوری که از فرد نفعی متوجه آن‌ها می‌شود، در موقع وقوع جنایت خطایی از سوی خویشاوند خود، مسئولیت عمل وی را بر عهده خواهند داشت؛ بنابراین، ممکن است بتوان قائل به آن شد که میان فرد یا افرادی که عاقله محسوب می‌شوند، و مرتکب خطاکار، نوعی تعهد ضمنی وجود دارد. البته، بدیهی است که با توجه به بالقوه بودن ارث بردن از جانی خطاکار از یک سو و تحقق احتمالی جنایت خطایی در آینده از سوی دیگر، تعهد ضمنی یادشده، تفاوت‌هایی را با عقد بیمه به معنای واقعی خود داراست. توضیح بیشتر آن‌که ارث بردن از جانی خاطی منوط به فوت اوست و قبل از آن چیزی عاید ورثه نمی‌شود؛ از طرف دیگر، وقوع جنایت خطایی از سوی شخص احتمالی است و ممکن است هیچ‌گاه محقق نشود. این موضوع در مورد عقد بیمه نیز صدق می‌کند؛ زیرا در عقد بیمه هم، تحقق حادثه احتمالی است و در زمان انعقاد عقد، حادثه تحت پوشش بیمه هنوز اتفاق نیفتاده است، و ممکن است در آینده نیز محقق نشود.

۱-۳-۲. تحلیل حقوقی ضمان جریره

ریشه عقد ضمان جریره را باید در عقدی با عنوان «موالات» جستجو کرد. این عقد در عرف جاهلیت عرب مورد پذیرش قرار گرفته بود و به وسیله آن، هر یک از طرفین عقد، خود را نسبت به بزه طرف دیگر مسئول قلمداد می‌کرد. در این عقد ضامن متعهد به نصرت مضمون و ضمان ناشی از بزه او می‌شد و در مقابل این تعهدات، از وی ارث می‌برد. اگر هر دو طرف ضامن یکدیگر می‌شدند، هر دو طرف از هم ارث می‌بردند. از آنجاکه عقد یادشده موجب وراثت عاقدین از یکدیگر می‌شد، آن را «عقد وراثت» نیز نامیده‌اند. اگرچه این عقد بعداً از نظر شافعیه نسخ شد، امامیه و حنفیه اعتقاد به عدم نسخ آن دارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، صص ۲۴۰۳، ۲۶۰۰ و ۲۶۰۱). علاوه بر این، عقد ضمان جریره با عقود امروزی نیز وجوه اشتراکی را داراست. در همین راستا،

برخی از حقوقدانان عقد ضمان جریره را نوعی بیمه قراردادی دانسته و آن را با عقد بیمه مشابه دانسته‌اند (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۸؛ میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۷). در هر حال، عقد ضمان جریره که بر مبنای آن ضامن جریره، دیه جنایات مضمون‌عنه (یا به تعبیر قانون مدنی «مدیون اصلی»؛ ماده ۶۸۴ از این قانون) را بر عهده می‌گیرد با دو مفهوم «عقد ضمان» و «عقد معوض» در حقوق مدنی نیز قابل مقایسه است. در واقع، ضمان جریره دارای ویژگی‌های این دو نوع عقد است، به نحوی که می‌توان آن را نوعی عقد معوض دانست، و همان‌طور که از ظاهر عنوان آن نیز برمی‌آید، نوعی عقد ضمان نیز قلمداد کرد. در ماده ۶۸۴ قانون مدنی مقرر شده است: «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است، به عهده بگیرد. متعهد را ضامن، طرف دیگر را مضمون‌له و شخص ثالث را مضمون‌عنه یا مدیون اصلی می‌گویند»؛

در عقد ضمان جریره نیز مرتکب خطاکار همان مضمون‌عنه یا مدیون اصلی است که ضامن جریره پرداخت دیه جنایات وی را تعهد می‌کند؛ در قبال مضمون‌له که همان متضرر بالقوه می‌باشد. یکی از تفاوت‌های اصلی عقد ضمان جریره و عقد ضمان در حقوق مدنی آن است که در ضمان مدنی، اصولاً مضمون‌له به صورت بالفعل وجود دارد، اما در ضمان جریره ممکن است در آینده وجود داشته باشد یا اینکه هیچ‌گاه وجود خارجی نیابد؛ زیرا وجود مضمون‌له در عقد ضمان جریره منوط به آن است که مضمون‌عنه، جنایت خطایی‌ای را مرتکب شود و سپس، در نتیجه عمل خود، مکلف به پرداخت دیه گردد؛ در این هنگام است که ضامن جریره بر مبنای عقد ضمان جریره، باید دیه جنایات مضمون‌عنه را پرداخت کند؛ بنابراین پرداخت دیه که نوعی تعهد مالی محسوب می‌شود، بر عهده ضامن جریره قرار می‌گیرد. در ضمان مدنی نیز یکی از آثار عقد بر عهده گرفتن دین از سوی ضامن می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷).

همچنین، در عقد ضمان جریره، ضامن در عوض بر عهده گرفتن دیه جنایات خطایی مضمون‌عنه، از وی ارث خواهد برد؛ یعنی پس از فوت مدیون اصلی، ضامن جریره وارث او محسوب شده و با توجه به قواعد ارث، ترکه مضمون‌عنه به وی تعلق می‌گیرد. البته، در این عقد ضامن با شخصی عقد ضمان جریره را منعقد می‌کند که

وارثی ندارد و متعهد می‌شود که در مقابل تنها وارث وی بودن، دیه جنایات خطایی وی را پرداخت نماید. به عبارت دیگر، در این عقد شرط است که مضمون‌عنه مجهول‌النسب بوده یا وارث نداشته باشد و به موجب عقد ضمان جریره، ضامن، وارث مضمون‌عنه محسوب می‌شود (صادقی، ۱۳۸۴، صص ۲۶۸-۲۶۹). تفاوت اصلی عقد ضمان جریره با عقد معوض در حقوق مدنی را هم نباید از نظر دور داشت؛ با این توضیح که در عقود معوض، عوضین در مقابل هم قرار دارند، اما در ضمان جریره لزوماً چنین موردی تحقق نمی‌یابد، یعنی در عقد ضمان جریره، ضامن بعد از فوت مضمون‌عنه از وی ارث می‌برد، اما ممکن است هیچ دیه‌ای پرداخت نکرده باشد؛ به این دلیل که ممکن است مضمون‌عنه در طول حیات خود هیچ جنایت خطایی‌ای را مرتکب نشده باشد که مسئله پرداخت دیه توسط ضامن مطرح شود.

۲. موارد مسئولیت عاقله و ضامن جریره

عاقله و ضامن جریره در موارد معینی پرداخت دیه ناشی از جنایت دیگری را بر عهده می‌گیرند. این مسئولیت آن‌ها، صرف‌نظر از اینکه دیه ماهیتاً مجازات محسوب می‌شود یا جبران خسارت (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص ۳۰۷-۳۱۱؛ آشوری، ۱۳۸۴، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ گرجی و دیگران، ۱۳۸۵، صص ۵۱-۵۳؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، صص ۱۴۴-۱۴۵)، با توجه به اینکه دیه اوصافی از پرداخت غرامت را هم دارا می‌باشد، به نوعی جبران خسارت تلقی می‌گردد. بر این مبنا، باید تأسیسات مزبور را در شمار منابع جبران خسارت ناشی از جنایات قلمداد کرد (اعتمادی، ۱۳۸۹، صص ۳۵-۱۱۶). در هر صورت، جبران خسارت از طریق عاقله و ضامن جریره محدود به مصادیق مشخصی است که جهت روشن شدن کاستی‌های آن‌ها، لازم است بررسی گردند.

۲-۱. موارد مسئولیت عاقله

پیش از همه، باید متذکر شد که با توجه کلام فقها امامیه، ضامن جریره نیز به نوعی عاقله مرتکب خطاکار محسوب می‌شود، و بر همین اساس، موارد مسئولیت نهادهای

عاقله و ضامن جریره، وجوه اشتراکی با یکدیگر دارند که موجب می‌شود، برخی مباحث در مورد هر یک از آنها صدق کند.

۲-۱-۱. جنایات خطای محض

یکی از مواردی که عاقله به جای مرتکب خطاکار، پرداخت دیه ناشی از فعل خطایی را عهده‌دار می‌شود، جنایات خطای محض می‌باشد. پرداخت دیه جنایات خطایی توسط عاقله بر مبنای روایات است، وگرنه در قرآن کریم پرداخت دیه این جنایات بر عهده خود مرتکب قرار داده شده است (گرجی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵؛ الفاضل المقداد، ۱۴۲۸ق، صص ۶۸۰-۶۸۲؛ قاسم‌زاده و ره پیک، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲-۱۴۳؛ نساء: ۹۲).

صاحب مبانی تکمله المنهاج در رابطه مسئولیت عاقله می‌نویسد: «دیه جراحات موضحة و جنایات‌های زیادتر از آن بر عهده عاقله می‌باشد» (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۷)؛ مشابه این عبارت در کتب دیگر فقها نیز دیده می‌شود (المحقق الحلّی، ۱۳۸۸ش، القسم الرابع، ص ۵۳۰)؛ بنابراین، دیه جراحات‌هایی مانند هاشمه، منقله و نیز جراحات موضحة، در صورتی که ناشی از جنایاتی خطایی باشد، بر عهده عاقله خواهد بود، و مرتکب در این موارد مسئولیتی ندارد. فقهای امامیه مبنای این حکم را «معتبره اُبی مریم از امام صادق(ع)» ذکر کرده‌اند (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۷)؛ بدین شرح که حضرت فرمودند: «امیرالمؤمنین(ع) چنین حکم کرد که: بر عاقله تحمیل نمی‌شود مگر (دیه) جراحات موضحة و جراحات‌های زیادتر از آن» (الکلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۷، ص ۳۶۵؛ الحر العاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۹۶).

حکم فقهی یادشده در مواد ۴۶۳، ۴۶۴ و ۴۶۷ از «ق.م.ا» ۱۳۹۲ قابل جستجو است. توضیح آن که عاقله در جنایات خطای محض اثبات‌شده با بینه، قسامه و یا علم قاضی مکلف به پرداخت دیه شده است، اما این تکلیف در جنایات‌های کمتر از موضحة مصداق ندارد. همچنین، علی‌رغم اینکه عاقله در جنایات‌های خطای محض اثبات‌شده از طریق اقرار مرتکب، مسئولیت ندارد، باین وجود، در صورتی که عاقله پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، اقرار او تصدیق کند، مسئول پرداخت دیه قلمداد می‌شود.

نکته‌ای که باید در نظر داشت، این است که اگرچه ماده ۴۴۹ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، ارش را دیه غیر مقدر نامیده است، با این وجود، با توجه به استثنایی و خلاف اصل بودن مسئولیت عاقله، باید قائل به آن شد که او مکلف به پرداخت چیزی غیر از دیه مقدر نیست، به طوری که اگر در موردی حکم به پرداخت ارش داده شود، قانوناً عاقله مسئول پرداخت آن نمی‌باشد (نظرات مشورتی شماره ۷/۱۱۳۵ به تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۲ و ۷/۴۰۸۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۸/۵ از اداره حقوقی قوه قضاییه). این دیدگاه با آنچه زیر عنوان اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی مورد اشاره قرار می‌گیرد، هماهنگ است؛ زیرا در کلیه مواردی که قانون‌گذار نظر به تعیین ارش داشته، از همین واژه استفاده کرده است، نه از واژه دیه غیر مقدر (برای مثال، ماده ۶۲۱ «ق.م.ا» ۱۳۹۲)؛ این در حالی است که درجایی که منظور قانون‌گذار، دیه مقدر بوده، اصولاً واژه «دیه» را به کار برده است، بدون اینکه قید «مقدر» را به دنبال آن بیاورد، و این موضوع در مواد قانونی مربوط به مسئولیت عاقله مشهود است (مواد ۴۶۳ تا ۴۷۰ «ق.م.ا» ۱۳۹۲).

مطلب قابل ذکر دیگر آن‌که در جنایت خطای محض، مرتکب می‌تواند عاقله را معاف از پرداخت دیه کرده و مسئولیت آن شخصاً عهده‌دار شود؛ البته این امر شرایط خاص خود را دارد که عبارت‌اند از اثبات جنایت خطای محض با شهادت شهود و بری‌الذمه کردن عاقله از سوی جانی؛ با اقوالی نظیر تو را از دیه این جنایت معاف کردم (النجفی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۳۲). در این حالت، نوعی انتقال ذمه صورت می‌گیرد و آنچه بر ذمه عاقله قرار گرفته بود، به ذمه قاتل انتقال می‌یابد.

۲-۱-۲. جنایات ارتكابی نابالغین و مجانین

در رابطه با دیه جنایات اشخاص نابالغ و مجنون، موضوع قابل توجه آن است که حتی در صورت عمدی بودن بر عهده عاقله است، چراکه «عمد نابالغ و مجنون در حکم خطا می‌باشد، پس دیه آن بر عهده عاقله است» (الموسوی الخمینی، بی‌تا، ص ۴۳۴). در رابطه با این حکم فقهی، احادیثی چند از سوی فقهای امامیه مورد استناد قرار گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به «معتبره اسحاق بن عمار» در خصوص افراد نابالغ و «صحیححه محمد بن مسلم» درباره اشخاص مجنون اشاره کرد (الموسوی الخوئی،

۱۴۲۸ق، صص ۹۰-۹۱؛ النجفی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، صص ۱۷۷-۱۷۹). شرح این دو روایت در زیر آمده است:

- در «صحیح محمد بن مسلم از امام باقر(ع)» آمده است که فرمودند: «حضرت علی(ع)، مسئولیت جنایت انجام شده توسط فرد دیوانه را بر عهده عاقله اش قرار می دادند؛ اعم از اینکه عمدی بوده باشد یا خطایی» (الطوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۲۳۳)؛

- در «معتبره اسحاق بن عمار» از امام باقر(ع) و حضرت از پدر بزرگوارشان نقل می کنند که حضرت علی(ع) فرمودند: «فعل عمدی کودکان در حکم خطاست و عاقله اش مسئولیت آن را بر عهده می گیرد» (الطوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۰، ص ۲۳۳)؛

با توجه به مبانی فقهی یادشده، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جنایات ارتكابی به وسیله افراد صغیر یا مجنون خطای محض تلقی شده و پرداخت دیه آن‌ها بر عهده عاقله قرار گرفته است (بند «ب» ماده ۲۹۲ و ماده ۴۶۳ این قانون)؛ بنابراین، در مورد جنایات افراد نابالغ و دیوانه سه حالت را می توان فرض کرد که مسئولیت پرداخت دیه در هر سه حالت بر عهده عاقله است: جنایات عمدی، شبه عمدی و خطای محض. علت اینکه در این فروض، پرداخت دیه بر عهده عاقله می باشد، آن است که افعال این دسته از افراد اعم از عمد و شبه عمد خطایی تلقی شده است (بند دوم ماده ۲۹۲ «ق.م.ا» ۱۳۹۲)، و این نوع جنایات اصولاً بر عهده عاقله قرار می گیرد، به طوری که مرتکب صرفاً در برخی از مصادیق آن، تکلیف به پرداخت دیه دارد، مانند جایی که جنایت خطای محض با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شود («ق.م.ا»، ۱۳۹۲، مواد ۴۶۳-۴۶۴ و نظریه ۷/۹۵۲ به تاریخ ۱۳۶۲/۶/۳۰ از اداره حقوقی قوه قضاییه).

در اینجا، ممکن است سؤالی به ذهن متبادر گردد، مبنی بر اینکه آیا عاقله در رابطه با این جنایات مسئولیت مطلق دارد؟ در ماده ۳۰۶ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ عاقله مسئول پرداخت دیه جراحات (موضحه) و دیه جنایات‌های زیاده از آن شناخته شده بود؛ بر این اساس، این سؤال قابل طرح بود که آیا این حکم، به تبصره همین ماده نیز سرایت کرده و عاقله در مورد افراد نابالغ و دیوانه هم، به همین میزان مسئولیت دارد؟ در پاسخ به این سؤال، ممکن بود با توجه به اطلاق تبصره ماده ۳۰۶ «ق.م.ا» گفته شود که مسئولیت عاقله در مورد افراد مورد بحث محدودیتی نداشته و به عبارت دیگر، محدود به دیه جراحات

(موضحه) و دیه جنایت‌های زیادت‌تر از آن نیست. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه مشورتی ۷/۳۶۹ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۸ بیان داشته است: «با توجه به حکم کلی تبصره ماده ۳۰۶ «ق.م.ا» جنایت اطفال، کمتر از موضعه نیز بر عهده عاقله خواهد بود»؛

با این وجود، نظریه یادشده قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا با توجه به استثنایی بودن مسئولیت عاقله، نباید مصادیق مسئولیت وی را با تفاسیری مانند آنچه اشاره شد، گسترش داد، و به عبارت دیگر، باید به موارد تصریح شده اکتفا شود. از این رو، صرف «صغر سن یا جنون مرتکب»، باعث تخصیص حکم عام ماده ۳۰۶ «ق.م.ا» مصوب ۱۳۷۰ نمی‌شده و مفاد متن این ماده به تبصره آن نیز سرایت می‌کرد. بر همین اساس، قانون‌گذار در ماده ۴۶۷ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ مقرر داشته است:

«عاقله مکلف به پرداخت دیه جنایت‌های کمتر از موضعه نیست، هر چند مرتکب نابالغ یا مجنون باشد»؛

با توجه به این موضع صریح مقنن، دیگر تردیدی در این مورد باقی نمی‌ماند، و دیدگاه مخالف قابل‌پذیرش نخواهد بود.

۲-۱-۳. جنایات عمدی یا شبه‌عمدی و فرار متهم

عاقله در موارد خاصی پرداخت دیه در جنایات عمدی و شبه‌عمدی را عهده‌دار می‌شود. یکی از این موارد استثنایی، جنایت‌های عمدی و شبه‌عمدی اشخاص نابالغ و دیوانه می‌باشد که بررسی شدند. در این بند، به یکی دیگر از این موارد استثنایی اشاره می‌شود. ماده ۲۶۰ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت که هرگاه کسی مرتکب قتل عمد شود و فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد، پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد، از اموال نزدیک‌ترین خویشان او به نحو الاقرب فالاقرب پرداخت می‌شود. ماده ۳۱۳ این قانون نیز اعلام می‌کرد، دیه عمد و شبه‌عمد بر عهده جانی است، لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد، از بستگان نزدیک^۲ او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در هر دو ماده یادشده بحث از پرداخت دیه بود، هرچند که قتل عمدی یا شبه‌عمدی است. در هر صورت، جدا از قید «تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد» که تفاوت اصلی دو ماده می‌باشد، هر دو ماده با جمع شرایطی، پرداخت دیه را بر عهده عاقله قرار داده بودند؛ این شرایط به‌قرار ذیل‌اند:

۱. ارتکاب قتل عمد و یا شبه‌عمد از سوی شخص؛

۲. فرار کردن قاتل و عدم دسترسی به او؛

۳. کافی نبودن اموال قاتل برای پرداخت دیه؛

با جمع شرایط سه‌گانه مزبور، عاقله جانی خطاکار، مکلف به پرداخت دیه می‌بود. البته، در ماده ۲۶۰ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ قید دیگری نیز به شرایط پیش‌گفته اضافه شده بود، و آن اینکه تا هنگام مردن به قاتل دسترسی نباشد. در این رابطه، «صحيحه ابوبصير» را به‌عنوان مبنای حکم یادشده مورد استناد قرار می‌دهند (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۱؛ النجفی، ۱۳۸۴ش، ج ۴۳، ص ۲۱)؛ با این شرح که «از امام صادق(ع) درباره مردی پرسید که مرد دیگری را از روی عمد کشته است و سپس قاتل فرار کرده و به او دسترسی نیست؟ فرمودند: اگر مالی داشته باشد دیه مقتول از مال او برداشته می‌شود و در غیر این صورت از خویشاوندان قاتل به ترتیب درجه خویشاوندی آن‌ها با او، دیه گرفته می‌شود و اگر خویشاوندی نداشته باشد، امام(ع) دیه مقتول را (از بیت‌المال) پرداخت می‌کند؛ زیرا خون مسلمان نباید هدر رود» (الکلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۷، ص ۳۶۵).

اگرچه روایت ذکرشده صرفاً مربوط به قتل عمدی است، با این‌وجود، صاحب‌تکمله المنهاج در توضیح این مطلب می‌نویسد: «با توجه به اینکه علت ذکرشده در پایان این روایت (که گفته‌شده خون مسلمان نباید هدر رود) عمومیت دارد، لذا مورد بحث ما یعنی شبه‌عمد را نیز در بر می‌گیرد» (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۴۲). همچنین، باید متذکر شد که در روایت یادشده، قید «حتی مات» به معنای «تا اینکه می‌میرد»، دیده نمی‌شود؛ با این‌حال، در روایت دیگری، قید مزبور آمده است. روایت اخیرالذکر موسوم به «روایت ابی نصر بن‌نطی» است که فقهای امامیه از آن به‌عنوان مبنایی دیگر در مورد فرار قاتل در جنایات عمدی و شبه‌عمدی یاد کرده‌اند (النجفی، ۱۳۸۵ش، ج ۴۲، ص ۳۳۰)؛ بنابراین، به نظر می‌رسید که اختلاف مواد ۳۱۳ و ۲۶۰ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ نیز ناشی از

همین‌گونه اختلافاتِ روایات اشاره شده باشد. بر این اساس، بر مبنای روایات نقل شده (و در راستای جمع دو ماده مذکور)، می‌توان قائل به آن شد که در هر موردی که فردی مرتکب قتل عمد یا شبه‌عمد شود و فرار کند و به او دسترسی حاصل نشود، بدون اینکه مرگ وی محرز شود یا اینکه بعد از فرار بمیرد و اموال او برای پرداخت دیه جنایت ارتكابی کافی نباشد، دیه بر عهده عاقله خواهد بود. به تعبیر دیگر، هر یک از موارد «فرار و عدم دسترسی» یا «فرار و مرگ قاتل» به صورت مستقل می‌توانند مبنای پرداخت دیه از سوی عاقله قرار گیرند و ضرورتی به اثبات مرگ قاتل بعد از فرار او نیست و عدم دسترسی (بعد از فرار) نیز می‌تواند ملاک قرار گیرد.

در نتیجه، باید گفت که عاقله اصولاً در جنایات عمدی مسئولیتی ندارد، و مسئول بودن عاقله در مواردی مانند قاتل عمدی فراری، امری استثنایی است و نمی‌توان آن را به سایر موارد تعمیم داد. علاوه بر این، در جنایات عمدی همواره پرداخت دیه مطرح نیست که بر عهده عاقله قرار گیرد. در موارد استثنایی ذکر شده در قانون هم به بدل بودن دیه از مجازات اصلی اشاره شده است، به طوری که در قسمتی از ماده ۲۶۰ «ق.م.ا» ۱۳۷۰ آمده بود: «...پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می‌شود...»، که حاکی از آن است که دیه بدل از مجازات اصلی می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده ۴۷۴ «ق.م.ا» ۱۳۹۲ رویکرد دیگری را اتخاذ کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «در جنایت شبه‌عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند، از بیت‌المال پرداخت می‌شود»؛

توضیح بیشتر اینکه اولاً: پرداخت دیه از بیت‌المال محدود به جنایات شبه‌عمدی شده است و جنایات عمدی را دربر نمی‌گیرد؛ ثانیاً: لازم است احراز گردد «عدم دسترسی به مرتکب» به دلیل «مرگ» یا «فرار» او است؛ ثالثاً: در صورت عدم کفایت اموال مرتکب، پرداخت دیه بر عهده عاقله قرار نمی‌گیرد. در واقع، با توجه به این حکم قانون‌گذار، یکی از مصادیق پرداخت دیه از سوی عاقله در فقه امامیه، دیگر از لحاظ قانونی قابلیت اجرایی ندارد.

۲-۲. موارد مسئولیت ضامن جریره

از آنجاکه ضامن جریره نیز به نوعی عاقله مرتکب خطاکار قلمداد می‌شود، به طور مشابهی، صرفاً جنایات خطایی مضمون‌عنه را عهده‌دار می‌باشد (محمدی، ۱۳۷۴، ص ۵۶۳). موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که ضامن جریره با عاقله جمع نمی‌شود، یعنی با وجود عاقله، ضامن جریره مسئولیتی نخواهد داشت. پس زمانی که قاتل یا جانی دارای عاقله نباشد، اما به موجب عقد ضمان جریره، ضامنی را داشته باشد، وی عاقله او محسوب می‌شود (الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، ص ۵۴۶). در واقع، در فقه امامیه، «ضامن جریره» و نیز «امام»، به نوعی عاقله قلمداد شده‌اند (گرجی و دیگران، ۱۳۸۵، صص ۲۶۰-۲۶۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷۹)؛ بدین معنا که دیه ناشی از جنایت خطایی مرتکب، به صورت ابتدایی بر عهده عاقله او به معنای اخص (خویشان پدری) می‌باشد، اما در صورت عدم وجود ایشان، به ترتیب ضامن جریره و سپس امام، عاقله مرتکب تلقی می‌شوند و عهده‌دار پرداخت دیه جنایت خطایی وی خواهند بود. درباره مسئولیت امام در چنین مواردی، از اصطلاح «عاقله الامام» نیز استفاده شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸۰).

در رابطه با مسئولیت ضامن جریره باید افزود که به نظر می‌رسد، موارد استثنایی بر شمرده شده برای عاقله قابل تعمیم به ضامن جریره نباشند، و مختص عاقله قلمداد شوند. دلیل این دیدگاه آن است که موارد استثنایی را باید محدود به همان مورد خاص خود دانست، و از تسری آن به سایر موارد خودداری کرد. ضمن اینکه ظاهر روایات مربوطه، که پیش‌تر نقل شدند، حکایت از آن دارد که منظور امام معصوم از عاقله یا خویشان قاتل، عاقله در مفهوم خاص آن است، نه ضامن جریره. بر این اساس، جنایات عمدی و شبه‌عمدی از حیثه مسئولیت ضامن جریره خارج می‌باشند.

۳. کارایی و قلمرو بیمه جنایات خطای محض

در مورد بیمه جنایات خطای محض، که تأسیس پیشنهادی تحقیق حاضر می‌باشد، لازم است کارایی و قلمرو آن بررسی شده، و بدین وسیله، سؤالات احتمالی پاسخ داده شود.

قبل از این بررسی، باید خاطر نشان کرد که قراردادهای بیمه بر اساس طبیعت تعهدات قراردادی بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار، به بیمه خسارات و بیمه اشخاص تقسیم می‌شوند:

- بیمه خسارات به دو بخش عمده بیمه اموال و بیمه مسئولیت قابل است. در بیمه اموال، موضوع تعهد بیمه‌گر جبران خسارات وارده به شیء است، اما در بیمه مسئولیت، مسئولیت مدنی بیمه‌گذار در قبال اشخاص ثالث پوشش داده می‌شود. در نوع اخیر از بیمه، بدهی‌ای که در پی ایراد خسارت به غیر بر عهده بیمه‌گذار گذاشته شده، تأمین می‌گردد؛

- موضوع بیمه اشخاص، تمامیت جسمانی شخص بیمه‌گذار است؛ زندگی، مرگ، خسارات جانی، بیماری و زایمان از انواع این بیمه هستند. در صورت تحقق هر یک از خطرات موضوع بیمه، بیمه‌گر موظف است مبلغ مشخصی را که در قرارداد تعیین شده است، فارغ از میزان خسارت، به ذینفع بیمه پرداخت نماید (بابایی، ۱۳۸۵، صص ۲۴-۲۶)؛

بر این اساس، باید قائل به آن شد که بیمه جنایات خطای محض بیشتر با مفهوم بیمه خسارات، به‌ویژه بیمه مسئولیت، قرابت دارد؛ زیرا آنچه در بیمه اشخاص تحت پوشش قرار می‌گیرد، خسارات وارده به غیر نیست، بلکه تمامیت جسمانی خود بیمه‌گذار است. در ادامه، موضوع اصلی این قسمت از تحقیق، طی دو بند جداگانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۳-۱. کارایی بیمه جنایات خطای محض

بیمه جنایات خطای محض می‌تواند در کنار نهادهای عاقله و ضامن جریره مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، با اشاره‌ای مختصر به وضعیت نهادهای اخیرالذکر، در مقام تبیین کارایی تأسیس پیشنهادی برمی‌آییم.

در مورد ضامن جریره باید توجه داشت که در دوران قدیم که روابط افراد با یکدیگر به خاطر نبود وسایط ارتباطی امروزی بسیار نزدیک‌تر بود، نیاز چندانی به عقد بیمه احساس نمی‌شد، و عقد ضامن جریره مابین طرفین آن کافی تلقی می‌شد و نیازهای جامعه آن زمان را برآورده می‌کرد؛ اما امروزه این منبع جبران خسارت (که در تبصره ماده ۳۰۷ «ق.م.ا» مصوب ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده بود) در عرف همانند عقد بیمه جایگاهی ندارد، و به همین خاطر، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار به‌جای آن از

تأسیسات جدید بهره گیرد. البته، باید در نظر داشت که برخی از تأسیسات نو در واقع نشئت گرفته از همین تأسیسات قدیمی تر می‌باشند، و به تعبیر دیگر، شکل تکامل یافته آن‌ها هستند. هر امری هم می‌تواند یک‌روند رو به تکامل را طی کرده و در راستای تطبیق هر چه بیشتر با شرایط امروزی دستخوش تغییراتی گردد. امروزه تأسیسی چون بیمه جایگاه خاص خود را در عرف دارا می‌باشد و در مواردی روند زندگی روزمره بدون آن دچار اختلال می‌شود. به‌طور مثال، قانون‌گذار در مورد دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی، داشتن بیمه‌نامه شخص ثالث را امری اجباری قلمداد کرده است. این موضوع نشان از اهمیت موضوع و پذیرفته شدن عقد بیمه می‌باشد؛ بنابراین، بهتر است که قانون‌گذار از نوعی عقد بیمه به‌جای ضمان جریره یاد کند، و عقدی را که در عرف پذیرفته نشده و صرفاً در لابه‌لای مواد قانونی یافت می‌شده، در قانون کشور جای ن داده و بدین‌وسیله از تورم مواد قانونی ممانعت به عمل آورد. در این صورت، اگر به هر دلیلی نیاز به عقد ضمان جریره احساس شود، می‌توان به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی که دربردارنده اصل آزادی قراردادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۳۱-۳۲)، به انعقاد این عقد مبادرت کرد. این موضع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پذیرفته شده، به‌طوری‌که در این قانون از عقد ضمان جریره یاد نشده است؛ اگرچه با توجه به مطلب یادشده دلیلی بر ممنوعیت انعقاد چنین قراردادی نیست.

در رابطه با عاقله هم باید به این موضوع توجه داشت که علی‌رغم داشتن کارایی خاص خود، با توجه به اینکه فرد یا افرادی که عاقله محسوب می‌شوند، می‌توانند بدون نیاز به دادخواست اعسار، به عدم توانایی مالی خود استناد کرده (مواد ۴۶۹ و ۴۷۰ «ق.م.ا» ۱۳۹۲؛ نظریه مشورتی شماره ۷/۶۴۷۴ به تاریخ ۱۳۷۶/۱۰/۲ از اداره حقوقی قوه قضاییه) و مسئولیت خاص ناشی از جنایت خطای محض (پرداخت دبه) را از عهده خود بردارند، لازم است تدبیری اندیشید که مرتکب خطاکار در هنگام تحقق جنایتی خطایی بتواند از آن بهره‌مند شود و خسارات متضرر از جنایت هم جبران گردد. البته، می‌توان بیمه جنایات خطای محض را در کنار عاقله توأمان مورد توجه قرار داد. به دیگر سخن، قانون‌گذار با حفظ نهاد عاقله از یک‌طرف و پذیرش بیمه پیشنهادی از

طرف دیگر، این دو را مکمل یکدیگر قرار دهد، و بدین وسیله، عذر عدم توانایی مالی را پوشش دهد تا اینکه نیازی به پرداخت دیه از بیت‌المال نباشد.

همچنین، باید این مطلب را اضافه کرد که نهادی که در دوران قدیم رایج بوده و مشکلات جامعه آن روز را پاسخ می‌داده است، به همان صورت نخستین در جامعه امروزی کاربرد ندارد، و به‌صرف قانون‌گذاری، نمی‌توان رسم دیرینه جوامع کهن را معمول داشت، به‌طوری‌که موردقبول عامه قرار گیرد (جباری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵)؛ بنابراین، لازم است با توجه به شرایط روز، تأسیس مربوطه را متحول کرده و سیری تکاملی برای آن ترسیم کرد. نهادهای موردبحث (به‌ویژه ضامن جریره) در زمان خود به‌نوعی حالت بیمه داشته‌اند و نیازهای زندگی قبیله‌ای را پاسخگو بودند. بر این مبنای، می‌توان مسئولیت ناشی از جنایت خطایی را در قالب عقد بیمه‌ای گنجانده، و ضوابط و شرایط خاص آن را نیز تدوین کرد تا بتوان به وضعیت مطلوب‌تری دست یافت.

ممکن است ایراد شود، بیمه جنایات خطای محض موجب می‌شود که افراد با آسودگی خاطر دست به ارتکاب جنایت زده و از مسئولیت ناشی از آن هراسی به دل راه ندهند؛ لذا چطور می‌توان قائل به کارایی داشتن آن شد؟! در پاسخ به این ایراد باید گفت که چنین ایرادی در مجموع درباره بیمه‌نامه‌های مختلف قابل طرح می‌باشد. به‌طور مثال، در مورد بیمه شخص ثالث که از سوی قانون‌گذار الزامی تلقی شده است، آیا می‌توان گفت که افراد با داشتن این بیمه‌نامه، بی‌احتیاط‌تر شده و نتیجتاً سوانح رانندگی افزایش می‌یابد؟ پاسخ روشن است! به تعبیر دیگر، علی‌رغم اینکه ممکن است چنین ایرادی در مواردی صدق کند، الزامات ناشی از زندگی امروزی جوامع، تردیدی در پذیرش بیمه‌نامه مربوط ایجاد نمی‌کند.

۲-۳. قلمرو بیمه جنایات خطای محض

بیمه جنایات خطای محض علاوه بر دیه جنایات خطای محض، جبران خسارت ناشی از این نوع جنایات را نیز در بر می‌گیرد. در این رابطه، توضیحاتی به شرح زیر ضروری است: در خصوص دیه جنایات خطای محض، علی‌رغم اینکه ممکن است در سوانح رانندگی، در قلمرو بیمه اجباری شخص ثالث قرار گیرد (بابایی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹)، با

توجه به اینکه دیه به عنوان واکنش اصلی در مقابل جنایات خطایی قلمداد می‌شود، به نظر می‌رسد که به طور کلی می‌توان پرداخت دیه ناشی از وقوع این نوع جنایات در قلمرو بیمه پیشنهادی جای داد. به دیگر سخن، از آنجاکه در بیشتر مواردی که حکم به پرداخت دیه داده می‌شود، محکوم علیه مرتکب یک جنایت خطایی شده است، و پرداخت دیه به عنوان یکی از آثار مسئولیت خاص ناشی از این جنایات بر وی تحمیل می‌شود، مناسب‌تر است که این مورد در قلمرو بیمه جنایات خطای محض جای بگیرد. با پذیرش این رویکرد، پرداخت دیه از قلمرو بیمه اجباری شخص ثالث خارج شده و تحت شمول بیمه پیشنهادی قرار می‌گیرد. البته، می‌توان بیمه شخص ثالث را صرفاً در رابطه با دیه ناشی از سوانح رانندگی در نظر گرفت، و دیه ناشی از وقوع سایر جنایات دارای ماهیت خطایی محض را در قلمرو بیمه جنایات خطای محض گنجانند.

اما درباره جبران خسارت ناشی از جنایات خطای محض، باید گفت که با توجه به این موضوع که وقوع جنایت خطای محض، جدا از واکنش خاص خود (دیه)، منجر به ایراد خسارت به مجنی علیه شده، و با تقاضای وی، مرتکب خطای به جبران خسارت نیز ملزم می‌شود، و با وجود اینکه خسارات حاصله ممکن است با استفاده از انواع مختلف بیمه‌نامه‌ها قابل جبران باشند، اما نظر به اینکه خسارات مذکور در نتیجه وقوع یک جنایت خطایی حاصل شده‌اند، می‌توان آن‌ها را نیز در قلمرو بیمه جنایات خطای محض جای داد و از شمول سایر انواع بیمه‌نامه‌ها خارج کرد. به دیگر سخن، جبران این دسته از خسارات نیز از آثار مسئولیت خاص ناشی از وقوع جنایت خطایی است، و با این وصف، بهتر است که در یک نوع بیمه‌نامه در نظر گرفته شود.

در اینجا، ممکن است سؤالی به ذهن خطور کند، مبنی بر اینکه وضعیت بیمه جنایات خطای محض درباره «جنایات افراد نابالغ یا مجنون» و «فرار جانی در جنایات عمد و شبه‌عمد» چگونه است؟ به تعبیر دیگر، موارد یادشده که از مصادیق استثنایی مسئولیت عاقله قلمداد می‌شوند، در قلمرو بیمه پیشنهادی جای می‌گیرند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، بیمه جنایات خطای محض، به چه نحو آن‌ها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال، باید این موضوع را یادآور شد که بیمه جنایات خطای برای رفع نواقص نهادهای عاقله و ضامن جریره پیشنهاد شده است، لذا مصادیق

استثنایی مسئولیت عاقله نیز می‌توانند تحت شمول آن قرار گیرند. بر این اساس، هر یک از مصادیق استثنایی مسئولیت عاقله را جداگانه بررسی می‌کنیم:

در مواردی که جنایت اعم از عمد یا غیر عمد (شامل شبه‌عمد یا خطای محض) از سوی فردی نابالغ یا دیوانه ارتکاب می‌یابد، با توجه به اینکه انعقاد عقد از اعمال حقوقی قلمداد می‌شود، و هر یک از افراد یادشده در این دسته از اعمال، دارای حکم خاصی هستند، باید قائل به تفکیک شد. توضیح آن‌که انعقاد عقد بیمه پیشنهادی از سوی صغیر غیر ممیز و مجنون باطل و بلااثر می‌باشد (قانون مدنی، ماده ۱۲۱۲-۱۲۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۷۳۴-۷۳۵)؛ بنابراین، ولی صغیر یا مجنون به نمایندگی از طرف آن‌ها، و با رعایت غبطه صغیر یا مجنون، اقدام به انعقاد عقد بیمه می‌کند؛ اما در مورد صغیر ممیز، از آنجاکه اعمال حقوقی وی غیر نافذ تلقی شده و نیاز به تنفیذ از سوی ولی او دارد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲، صص ۲۲۸-۲۲۹)، صغیر ممیز می‌تواند بیمه‌گذار عقد بیمه پیشنهادی واقع شود، به شرطی که انعقاد این عقد از سوی ولی او تنفیذ شود.

در مورد مطلب یادشده ممکن است ایراد شود که با نظر به اینکه ولی صغیر غیر ممیز یا مجنون جزء افراد عاقله محسوب می‌شوند، و نهایتاً خود آن‌ها باید دیه ناشی از جنایت اشخاص یادشده را عهده‌دار شوند، اساساً چه نیازی به انعقاد عقد بیمه یادشده از طرف آن‌ها می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت که اولاً، ولی عقد بیمه را به نمایندگی از طرف صغیر غیر ممیز یا مجنون منعقد می‌کند، و حق بیمه‌ای را که می‌پردازد، از اموال صغیر غیر ممیز یا مجنون تأمین می‌کند؛ بنابراین، در این مورد هم مرتکب جنایت که وصف صغر سن یا جنون را داراست، بیمه‌گذار حقیقی تلقی می‌شود. ثانیاً، در مواردی هم که ولی به دلیل نداشتن اموال از سوی نابالغ یا مجنون، شخصاً اقدام به پرداخت حق بیمه می‌کند، با توجه به اینکه این حق بیمه به صورت تدریجی پرداخت می‌شود، در مقایسه با پرداخت دیه یک جنایت، فشار مالی کمتری به او می‌آورد، و لذا قابل توجیه می‌باشد.^۳

اما درجایی که شخص مرتکب جنایت عمدی یا شبه‌عمدی می‌شود و فرار می‌کند، حکم قضیه متفاوت است. در این حالت، هنگامی که جانی فرار می‌کند، با لحاظ شرایطی از جمله عدم توانایی عاقله (که از نظر فقهای امامیه ملاک می‌باشد، نه قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)، دیه جنایت ارتکابی از بیت‌المال قابل پرداخت است؛ بنابراین،

نظر به اینکه در ماده ۴۷۴ «ق.م.ا» ۱۳۹۲، در درجه اول، اموال خود جانی برای پرداخت دیه مدنظر قرار گرفته است، در این مورد هم به طور استثنایی موضوع در قلمرو بیمه جنایات خطای محض قرار می‌گیرد. به تعبیر دیگر، زمانی که شخصی اقدام به انعقاد عقد بیمه پیشنهادی می‌کند، در صورتی که مرتکب جنایت عمدی یا شبه‌عمدی شد، و فرار کرد و به او دسترسی حاصل نشد و یا فوت کرد، نخست اموال او برای پرداخت دیه مدنظر قرار می‌گیرد، و در درجه بعد، در صورت عدم کفایت اموال او (یا به‌طور کلی نداشتن مال)، بیمه‌نامه وی جهت پرداخت دیه مربوطه ملاک قرار خواهد گرفت. در این صورت، به نوعی به مفاد ماده اخیرالذکر و نیز روایات مربوط عمل شده، و از تحمیل مسئولیت پرداخت دیه بر بیت‌المال نیز جلوگیری می‌شود.

نتیجه‌گیری و راهکار

عاقله و ضامن جریره اصولاً در جنایات خطایی به‌عنوان یکی از منابع جبران خسارت پذیرفته شده‌اند و به‌جای مرتکب خطاکار، جبران خسارات به بار آمده از جنایت خطایی را در قالب پرداخت دیه عهده‌دار می‌شوند. با این وجود، بررسی مصادیق مسئولیت هر یک از آن‌ها روشن کرد که این تأسیسات با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند، به طوری که در نهایت ممکن است منجر به تحمیل مسئولیت بر بیت‌المال گردند. علاوه بر این، اهمیت فزاینده جبران خسارت از بزه دیده موجب شده است که از یک‌سو، حق جبران به‌عنوان یکی از حقوق بزه دیده تلقی شود، و در این راستا، سازوکارهای مختلف به دست آوردن جبران برای بزه دیدگان حتی در سطح بین‌المللی پیش‌بینی شود، و از سوی دیگر، این موارد به‌طور خاص موضوع پژوهش‌های مربوط به بزه دیده‌شناسی قرار گیرند (بسیونی، ۱۳۹۳، صص ۷۹-۱۱۰). همچنین، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر لزوم جبران خسارت از بزه دیده تأکید کرده است (مواد ۱۴ تا ۲۰ از این قانون)؛ بنابراین، با توجه به اینکه نهادهای عاقله و ضامن جریره دارای وجوه اشتراک قابل توجهی با عقود پذیرفته‌شده امروزی می‌باشند، و بیمه جنایات خطای محض می‌تواند به‌منزله منبع جبران خسارتی در نظر گرفته شود که از هردوی مرتکب خطاکار و بزه دیده حمایت می‌کند، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. هرچند که نهاد عاقله، در مقایسه با ضامن جریره، بیشتر با شرایط امروزی جامعه سازگاری دارد، اما به دلیل امکان طرح عذر ناتوانی مالی عملاً از متضررین جنایات خسارت‌زدایی نمی‌کند. از سوی دیگر، عقد ضامن جریره هم به خاطر پیچیده‌تر شدن روابط اعضای جامعه عملاً منعقد نمی‌شود، و حکم قانونی مربوط به آن در «ق.م.ا» ۱۳۷۰ در شمار مواد متروک قلمداد می‌شود. قانون‌گذار نیز در «ق.م.ا» ۱۳۹۲ به این عقد اشاره نکرده است که خود ناشی از پی بردن به این موضوع می‌باشد. بر این اساس، به نظر می‌رسد، در راستای مشارکت آحاد جامعه در سیاست جنایی کشور، بیمه جنایات خطای محض می‌تواند الزامی قلمداد شود، چراکه در غیر این صورت، با توجه به اینکه دیه مربوطه، در درجه اول بر عهده عاقله اغلب ناتوان (!) (طبق کلام فقها و نه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و نهایتاً بیت‌المال قرار می‌گیرد (البته، با لحاظ شرایطی)، افرادی یافت می‌شوند که به‌راحتی دست به ارتکاب جنایت می‌زنند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

۲. برای دست یافتن به یک حکم فقهی صحیح، ضروری است که ضمن استفاده از منابع معتبر فقهی، نیازها و شرایط زندگی امروزی نیز در نظر گرفته شود، و بدین نحو بتوان راهکاری نو ارائه داد که پاسخگوی مقتضیات جوامع امروزی باشد. به دیگر سخن، نباید با تمسک بدون مبنا به «الفاظ» کتاب‌های فقها و لحاظ نکردن مقتضیات زمانی و مکانی، و نیز حکم عقل، باب اجتهاد را بسته دید، و هر مطلبی را که به‌ظاهر با کلام فقها هماهنگ نیست، مخالف شرع و نظر شارع به شمار آورد؛ که چنین رویکردی ضربه‌های جبران‌ناشدنی به اسلام و مسلمین زده و خواهد زد. راه‌کار پیشنهادی در این پژوهش که ترسیمی از سیر تکاملی نهادهای عاقله و ضامن جریره می‌باشد، می‌تواند به نحو مناسبی، حداقل در کنار آن‌ها، مورد استفاده قرار گیرد، بدون اینکه حکمی از شرع نقض شده باشد.

۳. شرایط و ضوابط بیمه‌نامه پیشنهادی را می‌توان در مجموعه مقررات مربوط به بیمه جای داد، و یا اینکه قانون خاصی راجع به آن تدوین کرد و مقررات مربوط را در آن گنجانند. علاوه بر این، در خصوص پذیرش چنین بیمه‌نامه‌هایی باید دقت نظر کافی لحاظ شود، بدین توضیح که علی‌رغم مفید بودن آن، نباید باب سوءاستفاده را برای

برخی از افراد باز کند؛ زیرا در این صورت، ممکن است افرادی یافت شوند که با آسودگی خاطر و بدون رعایت احتیاط‌های لازم، و به خاطر داشتن بیمه‌نامه مربوط، دست به ارتکاب جنایت زده و آن را خطایی توجیه کنند؛ بنابراین، تدابیری باید اندیشید که وضعیت به نحو مطلوبی تغییر کند. به‌طور مثال، امروزه بیمه‌گران وسایل نقلیه با ترغیب بیمه‌گذاران به احتیاط بیشتر و ارائه تخفیف در صورت استفاده نکردن از بیمه‌نامه، سعی در کاهش بی‌احتیاطی‌های افراد دارند^۴ تا وقوع جنایات دارای ماهیت خطای محض تقلیل یابد.

یادداشت‌ها

۱. «... هو أخذ الثمره من شجرها...».
۲. قانون‌گذار در متن مواد مورد بحث، از واژه عاقله استفاده نکرده بود؛ ظاهراً دلیل این امر آن است که در این رابطه اختلاف نظر وجود دارد. توضیح بیشتر آن که برخی از فقها ورثه (و از جمله خویشاوندان مادری) را عاقله محسوب می‌کنند اما مشهور فقها، عاقله را به معنای خویشان ذکور پدری یاد کرده‌اند (النجفی، ۱۳۸۴ش، ج ۳، صص ۴۲۱-۴۱۵؛ الموسوی الخوئی، ۱۴۲۸ق، صص ۵۴۲-۵۴۰). باین وجود، به نظر می‌رسد که قانون‌گذار نظر مشهور فقها را ملاک قرار داده است، و به عبارت دیگر، منظور از «بستگان نزدیک» یا «نزدیک‌ترین خویشان»، عاقله به معنای خویشان ذکور پدری است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات مشورتی شماره ۷/۶۴۰۷ به تاریخ ۱۳۷۶/۱۰/۴ و ۷/۹۰۵ به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱، عبارات یاد شده را به معنای اخیرالذکر قلمداد کرده است.
۳. باید به موضوع توجه داشت که در بیشتر مواقع، حق بیمه پرداختی از سوی ولی (یا مجموع حق بیمه‌های پرداخت شده) در مقایسه با پرداخت دیه ناشی از جنایت کمتر خواهد بود. به‌طور مثال، ممکن است مجموع حق بیمه‌های که ولی در طول چندین سال پرداخت می‌کند، نسبت به دیه یک جنایت کمتر باشد. این تفاوت در مواردی که جنایت مربوطه، از نوع جنایت بر نفس باشد، بسیار محسوس‌تر است.
۴. گفتنی است که این اقدام بیمه‌گران چندان هم خیرخواهانه نیست! بلکه در راستای جلب منفعت بیشتر برای خود هم گام برمی‌دارند؛ بدین صورت که با عدم استفاده بیمه‌گذاران از بیمه‌نامه مربوط، حق بیمه پرداختی برای بیمه‌گران سودآور خواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم.

آشوری، محمد (۱۳۸۴)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران: انتشارات سمت، چ ۱۰.
اعتمادی، امیر (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی منابع جبران خسارت ناشی از جرائم در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران.

انوری، حسن و دیگران (۱۳۸۵)، *فرهنگ فشرده سخن*، ج ۱-۲، تهران: انتشارات سخن، چ ۳.
ایرانی ارباطی، بابک (گردآورنده)، (۱۳۸۶)، *مجموعه نظرهای مشورتی جزایی*، ج ۱، تهران: انتشارات مجد، چ ۲.

بابایی، ایرج (۱۳۸۵)، *حقوق بیمه*، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
بسیونی، محمد شریف (۱۳۹۳)، *بزه دیده شناسی، شناسایی بین المللی حق های بزه دیدگان*، ج ۲، ترجمه مهرداد راجیان اصلی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش.
جباری، مصطفی (۱۳۸۸)، «زمان عاقله»، *فصلنامه حقوق*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۲.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۳-۴، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ ۴.

الجوهری الفارابی، اسماعیل بن حماد، (۱۴۲۶ق)، *تاج اللغة و صحاح العربیه (المسمى الصحاح)*، بیروت (لبنان): مکتب التحقیق بدار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، الجزء الخامس.
الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشرعیه*، ج ۲۹، قم: انتشارات مؤسسه آل بیت، چ ۲.

شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۴)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: نشر مهاجر، چ ۴.

صادقی، محمدهادی (۱۳۸۴)، *جرائم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)*، تهران: نشر میزان، چ ۸.
صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران: انتشارات سمت.

صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۲)، *حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)*،

- تهران: انتشارات سمت، چ ۸.
- طیبیان، سید حمید (۱۳۸۶)، فرهنگ لاروس (عربی به فارسی)، ج ۱-۲، ترجمه کتاب «المعجم العربی الحدیث» تألیف دکتر خلیل جرّ، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۱۶.
- الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
- الفاضل المقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۸ق)، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم: مکتب نوید اسلام، الطبعة الثالثة.
- قاسم زاده، سید مرتضی و ره پیک، حسن (۱۳۸۹)، تبیان حقوق (پژوهشنامه قرآنی حقوق)، ج ۳، تهران: انتشارات دادگستر.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۸۴)، فرهنگ عربی به فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چ ۱۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، درس‌هایی از عقود معین، ج ۲، تهران: کتابخانه گنج دانش، چ ۶.
- همو (۱۳۸۴)، وقایع حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۸.
- همو (۱۳۸۶)، توجیه و نقد رویه قضایی، تهران: نشر میزان، چ ۳.
- همو (۱۳۸۹)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۲۶.
- الکلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۸ش)، الکافی، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳.
- گر جی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، مقالات حقوقی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲.
- همو (۱۳۸۲)، دیات، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲.
- همو (۱۳۸۳)، آیات الاحکام حقوقی و جزایی، تهران: نشر میزان، چ ۲.
- گر جی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۵)، حدود، تعزیرات و قصاص، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۸)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چ ۱۱.
- المحقق الحلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۳۸۸ه.ش)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران: انتشارات استقلال، الطبعة الثامنة، المجلد الثاني (القسم الرابع).
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴)، حقوق کیفری اسلام (ترجمه حدود، تعزیرات، قصاص، دیات از کتاب شرایع الاسلام محقق حلی و مسالک الافهام شهید ثانی)، تهران: مرکز نشر علوم دانشگاهی، چ ۱.
- الموسوی الخمینی، روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۴، به انضمام ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

الموسوی الخوئی، السيد ابوالقاسم (١٤٢٨ق)، مبانی تکمله المنهاج (القصاص والحدایات)، قم: انتشارات الإمام الخوئی، الطبعة الثالثة.

میرمحمد صادقی، حسین (١٣٨٦)، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.

النجفی، الشیخ محمدحسن (١٣٨٤ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ٤٣، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الاولى للناشر.

همو (١٣٨٥ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ٤٢، تهران: دار الکتب الاسلامیه، الطبعة الخامسة.